

کاشف الاسرار و مطلع الانوار

(شرح ابیاتی از مثنوی معنوی)

تألیف:

حسن ظریفی چلبی

(در گذشته ۹۷۷ / ۹۸۰ ه. ق.)

تحقیق و تصحیح:

علیرضا قوجه زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا



شرکت چاپ و نشر بین الملل

سرشناسه	ظریفی چلبی، حسن - ۹۷۷ ق.
عنوان قراردادی	مثنوی، برگزیده، شرح
عنوان و نام پدیدآور	کاشف الاسرار و مطلع الانوار (شرح ابیاتی از مثنوی منوی) / تألیف حسن ظریفی چلبی؛ تحقیق و تصحیح علیرضا قوجه زاده.
مشخات نشر	تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	۳۱۲ ص -
شابک	978-964-304-354-4
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۳۹۹] - ۳۱۲ ^۱
یادداشت	نمایه
موضوع	مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۳ ق. مثنوی -- نقد و تفسیر
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۷ ق -- تاریخ و نقد.
شناسه افزوده	قوجه زاده، علیرضا، ۱۳۴۳.
شناسه افزوده	مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۳ ق. مثنوی -- نقد و تفسیر
شناسه افزوده	سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
رده بندی کنگره	۱۳۸۸ ک ۲ ظ ۵۳۰/۱ PIR
رده بندی دیویی	۸۱۳/۱ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	۱۹۱۰۲۵۳



کاشف الاسرار و مطلع الانوار

(شرح ابیاتی از مثنوی منوی)

تألیف

حسن ظریفی چلبی

تصحیح

علیرضا قوجه زاده

ناشر

شرکت چاپ و نشر بین الملل

نوبت چاپ..... اول - بهار ۱۳۸۹

چاپ و صحافی..... پژواک اندیشه

شمارگان..... ۳۰۰۰ نسخه

قیمت..... ۴۴۰۰۰ ریال

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۳۵۴-۴

حق چاپ محفوظ است.

E. mail: intlpub@intlpub.ir
WWW. Intlpub.ir

فهرست

۱	پیش‌گفتار.....
۳	مقدمه مصحح.....
۶	شروح مثنوی معنوی در قلمرو عثمانی.....
۱۵	شرح حال حسن ظریفی چلبی.....
۲۰	درباره انتساب کاشف‌الاسرار و مطلع‌الانوار.....
۲۳	فصول و ابواب کاشف‌الاسرار.....
۲۴	نسخه‌های خطی مورد استفاده.....
۲۵	شیوه تصحیح کاشف‌الاسرار.....
۲۷	متن کاشف‌الاسرار.....
۲۸	ابیات مورد شرح.....
۲۸	بشنو از نی چون حکایت می‌کند.....
۳۸	کز نیستان تا مرا ببریده‌اند.....
۳۹	سینه خواهم شرحه شرحه از فراق.....
۴۳	هر کسی کو دور ماند از اصل خویش.....
۴۵	من به هر جمعیتی نالان شدم.....
۴۸	هر کسی از ظنّ خود شد یار من.....
۵۰	سرّ من از ناله من دور نیست.....
۵۳	تن ز جان و جان ز تن مستور نیست.....
۵۹	آتش است این بانگ نای و نیست باد.....
۶۳	آتش عشق است کاندر نی فتاد.....
۶۵	نی حریف هر که از یاری بُرید.....

- همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ ۶۵
- نی حدیث راه پر خون می‌کند ۶۶
- محرم این هوش جز بیهوش نیست ۶۸
- در غم ما روزها بیگاه شد ۶۹
- روزها گر رفت، گو: رو، باک نیست ۶۹
- هر که جز ماهی ز آبش سیر شد ۷۰
- در نیاید حال پخته هیچ خام ۷۱
- بند بگسل، باش آزاد ای پسر! ۷۳
- گر بریزی بحر را در کوزه‌ای ۷۴
- کوزه چشم حریصان پُر نشد ۷۵
- هر که را جامه ز عشقی چاک شد ۷۶
- شاد باش ای عشق خوش سودای ما! ۷۷
- ای دواي نخوت و ناموس ما! ۷۷
- جسم خاک از عشق بر افلاک شد ۷۸
- عشق، جان طور آمد عاشقا! ۷۹
- بالب دم‌ساز خود، گر جقتمی ۸۰
- هر که او از هم زبانی شد جدا ۸۱
- چون که گل رفت و گلستان درگذشت ۸۲
- جمله معشوق است و عاشق پرده‌ای ۸۲
- چون نباشد عشق را پروای او ۸۵
- من چگونه هوش دارم پیش و پس ۸۶
- عشق خواهد کاین همه بیرون بود ۸۷
- آینه جانت از آن غماز نیست ۸۹
- حکایت عاشق شدن پادشاه بر کنیزکی و ۹۲
- بشنوید ای دوستان این داستان ۹۲
- بود شاهی در زمانی پیش ازین ۹۴
- اتفاقاً شاه روزی شد سوار ۹۴
- یک کنیزک دید شه بر شاهراه ۹۵
- مرغ جانش در قفس چون می‌طپید ۹۶
- چون خرید او را و بر خوردار شد ۹۶

- آن یکی خر داشت و پالانش نبود..... ۹۷
- کوزه بود و آب می‌نامد به دست..... ۹۷
- شه طبیبان جمع کرد از چپ و راست..... ۹۹
- جان من سهل است، جانِ جانم آوست..... ۹۹
- هر که درمان کرد مَر جان مرا..... ۹۹
- جمله گفتندش که جان بازی کنیم..... ۹۹
- هر یکی از ما مسیح عالمیست..... ۱۰۰
- گر خدا خواهد نگفتند از بطر..... ۱۰۰
- ترک استننا مرادم قسو تیست..... ۱۰۰
- ای بسا ناورده استننا بگفت..... ۱۰۱
- هر چه کردند از علاج و از دوا..... ۱۰۲
- آن کنیزک از مرض چون موی شد..... ۱۰۳
- از قضا سرکنگبین صفرا فزود..... ۱۰۳
- از هلیله قبض شد اطلاق رفت..... ۱۰۳
- ظاهر شدن عجز حکیمان از معالجهٔ کنیزک و اضطراب شاه و خواب دیدن او..... ۱۰۴
- شه چو عجز آن حکیمان را بدید..... ۱۰۴
- رفت در مسجد سوی محراب شد..... ۱۰۴
- چون به خویش آمد ز غرقاب فنا..... ۱۰۵
- کای کمینه بخششت ملک جهان..... ۱۰۵
- ای همیشه حاجت ما را پناه..... ۱۰۶
- لیک گفתי گرچه می‌دانم بمرت..... ۱۰۶
- چون برآورد از میان جان، خروش..... ۱۰۸
- در میان گریه خوابش در ریود..... ۱۰۸
- گفت: ای شه! مژده، حاجات رواست..... ۱۰۸
- چون که آید او حکیم حاذق است..... ۱۰۹
- در علاجش سحر مطلق را ببین..... ۱۰۹
- چون رسید آن وعده گاه و روز شد..... ۱۱۱
- بود اندر منظره شه منتظر..... ۱۱۲
- دید شخصی فاضلی پرمایه‌ای..... ۱۱۲
- می‌رسید از دور مانند هلال..... ۱۱۴

- نیست و ش باشد خیال اندر روان..... ۱۱۶
- بر خیالی صلحشان و جنگشان..... ۱۱۶
- آن خیالاتی که دام اولیاست..... ۱۱۶
- آن خیالی را که شه در خواب دید..... ۱۱۷
- شه به جای حاجبان در پیش رفت..... ۱۱۹
- هر دو بحری آشنا آموخته..... ۱۱۹
- گفت: معشوقم تو بودستی نه آن..... ۱۲۰
- ای مرا تو مصطفی من چون عمر..... ۱۲۲
- از خداوند ولی التوفیق درخواستن توفیق رعایت ادب در همه حال ها و بیان کردن ضررهای بی ادبی..... ۱۲۵
- از خدا جوییم توفیق ادب..... ۱۲۵
- بی ادب تنها نه خود را داشت بد..... ۱۲۶
- مائده از آسمان در می رسید..... ۱۲۷
- در میان قوم موسی چند کس..... ۱۲۸
- منقطع شد خوان و نان عاشقان..... ۱۲۸
- باز عیسی چون شفاعت کرد حق..... ۱۲۹
- باز گستاخان، ادب بگذاشتند..... ۱۳۰
- کرده عیسی لابه ایشان را که این..... ۱۳۱
- بدگمانی کردن و حرص آوری..... ۱۳۱
- زان گدا رویان نادیده فراز..... ۱۳۱
- ابر برناید پس منع زکات..... ۱۳۱
- هر چه بر تو آید از ظلمات و غم..... ۱۳۲
- هر که بی باکی کند در راه دوست..... ۱۳۳
- از ادب پر نور گشتست این فلک..... ۱۳۳
- بُد ز گستاخی کسوف آفتاب..... ۱۳۴
- ملاقات پادشاه با آن طیب الهی که در خوابش بشارت دادند به ملاقات او..... ۱۳۵
- دست بگشاد و کنارانش گرفت..... ۱۳۵
- دست و پیشانیش بوسیدن گرفت..... ۱۳۶
- پرس پرسان می کشیدش تا به صدر..... ۱۳۶
- گفت: ای نور حق و دفع خَرَج..... ۱۳۶
- ای لقای تو جواب هر سؤال..... ۱۳۷

- ترجمانی هر چه ما را در دل است..... ۱۳۸
- مرحبا يا مجتبی یا مرتضی ۱۳۸
- أَنْتَ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْ لَا يَشْتَهِي ۱۳۹
- چون گذشت آن مجلس و خوان کرم..... ۱۴۰
- قضه رنجور و رنجوری بخواند..... ۱۴۰
- رنگ رو و نبض و قاروره بدید..... ۱۴۱
- گفت: هر دارو که ایشان کرده‌اند..... ۱۴۲
- بی خبر بودند از حال درون..... ۱۴۶
- دید رنج و کشف شد بر وی نهفت..... ۱۴۷
- رنجش از صفرا و از سودا نبود..... ۱۴۷
- دید از زاریش کو زار دل است..... ۱۴۸
- مرغ جانش در قفس چون می‌طیبد..... ۱۴۹
- عاشقی پیداست از زاری دل..... ۱۵۰
- علت عاشق ز علت‌ها جداست..... ۱۵۲
- عاشقی گر زین سر و گر زان سر است..... ۱۵۴
- هر چه گویم عشق را شرح و بیان..... ۱۵۶
- گر چه تفسیر زبان روشن‌گر است..... ۱۶۰
- چون قلم اندر نوشتن می‌شتافت..... ۱۶۰
- عقل در شرحش چو خر در گل بخفت..... ۱۶۰
- آفتاب آمد دلیل آفتاب..... ۱۶۳
- از وی ار سایه نشانی می‌دهد..... ۱۶۴
- سایه خواب آرد ترا همچون سمر..... ۱۶۷
- خود غریبی در جهان چون شمس نیست..... ۱۷۳
- شمس در خارج اگر چه هست فرد..... ۱۷۴
- شمس جان کو خارج آمد از اثیر..... ۱۷۵
- در تصوّر ذات او را گنج کو؟..... ۱۷۶
- چون حدیث روی شمس‌الدین رسید..... ۱۷۶
- واجب آید چون که آمد نام او..... ۱۷۶
- این نفس جان دامنم بر تافتست..... ۱۷۷
- کز برای حقّ صحبت سالها..... ۱۷۹

تا زمین و آسمان خندان شود.....	۱۸۰
لا تُكَلِّفْنِي فَاتِي فِي الْفَنَاءِ.....	۱۸۱
كُلَّ شَيْءٍ قَالَهُ غَيْرُ الْمَفِيقِ.....	۱۸۲
من چه گویم یک رگم هشیار نیست.....	۱۸۳
شرح این هجران و این خون جگر.....	۱۸۴
قال أطمعني فأتني جابغ.....	۱۸۵
صوفی ابن الوقت باشد ای رفیق!.....	۱۸۶
تو مگر خود، مرد صوفی نیستی؟.....	۱۹۲
گفتمش پوشیده خوشتر سز یار.....	۱۹۴
خوشتر آن باشد که سز دلبران.....	۱۹۵
گفت مکشوف و برهنه، بی غُلُول.....	۲۰۶
پرده بردار و برهنه گو، که من.....	۲۰۷
گفتم ار عریان شود او در عیان.....	۲۰۸
آرزو می خواه لیک اندازه خواه.....	۲۰۹
افتابی کز وی این عالم فروخت.....	۲۱۱
فتنه و آشوب و خون ریزی مجوی.....	۲۱۳
این ندارد آخر از آغاز گو.....	۲۱۷
تصویر نسخه های خطی.....	۲۲۳
تعلیقات.....	۲۳۵
نمایه ها.....	۲۸۳
آیات قرآنی.....	۲۸۳
احادیث و روایات.....	۲۹۳
اقوال بزرگان و امثال و حکم.....	۲۹۹
اشعار عربی.....	۳۰۱
اشعار فارسی.....	۳۰۷
نمایه عام (نام ها، جای ها، کتاب ها).....	۳۲۵
کتابنامه.....	۳۲۹

به نام آن‌که جان را فکرت آموخت

پیشگفتار

در سفری که سال ۱۳۸۵ به همراه دوستان فاضل و پژوهشگر، جنابان آقایان بهروز ایمانی و سید عبدالرضا موسوی به کشور ترکیه داشتم، به راهنمایی آقای ایمانی به وجود یکی از شروح مثنوی مولانا به نام کاشف الاسرار و مطلع الانوار (شرح ابیاتی از دفتر اول مثنوی) اثر حسن ظریفی چلبی پی بردم و توانستم از میان نسخه‌های خطی شرح مذکور، به دو نسخه اقدم و نزدیکتر به زمان شارح، یعنی دست‌نویس‌های کتابخانه لالا اسماعیل و حاج محمود پاشا در کتابخانه سلیمانیّه دسترسی پیدا کنم.

با مطالعه این شرح، پی بردم که شارح، تفسیرهایی تازه از برخی ابیات دفتر نخست مثنوی را ارائه داده، و نیز اطلاعات نویافته‌ای درباره خود شارح، ابراهیم گلشنی (مؤسس طریقت گلشنیه در عثمانی و مصر) و... در مطاوی اثر مندرج است، و به همین جهت، تصحیح و احیای آن بایسته می‌نمود. لذا با کسب تصویر نسخه‌های خطی کهن این شرح و نسخه‌های متأخر و ناقصی که از آن در کتابخانه‌های مجلس و دانشگاه تهران موجود بود، به احیای اثر پرداختم.

امیدوارم این شرح، مورد توجه مثنوی‌پژوهان قرار گیرد و خطاها و اشتباهات این جانب در تصحیح و تحقیق آن را متذکر شوند تا در چاپهای بعد، اصلاح گردد.

در پایان این پیشگفتار موجز، سپاسگزاری از برخی دوستان را، که به نحوی در ارائه این اثر یاری‌ام کردند، بر خود لازم می‌دانم:

از دوست دانشورم جناب آقای بهروز ایمانی، که این اثر را برای تصحیح و تحقیق این جانب معرفی کردند و در مراحل تصحیح، ترجمه و نوشتن مقدمه یاری‌ام دادند. از دوستان دانشمند، جناب آقای محمد باهر و دکتر سید محمد طباطبایی (منصور) که در حلّ برخی از مشکلات عبارات و اشعار عربی، مساعدت نمودند. از ریاست محترم کتابخانه سلیمانیّه استانبول جناب آقای امّرش (Amraş) و همکاران دیگر این کتابخانه، که در دستیابی به تصاویر نسخ خطی کاشف الاسرار همکاری کردند. از مدیریت محترم شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، جناب آقای میرکریمی، و دیگر همکاران او که در چاپ و نشر این اثر، متقبل و متحمل زحمات شدند. از سرکار خانم بنفشه ابوطالبی، آقای سید ابراهیم حسینی‌نژاد و آقای نادر شالیان که حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب را بر عهده داشتند.

علیرضا قوجه‌زاده

تهران - زمستان ۱۳۸۷